

## جایگاه آخوند خراسانی در مرجعیت زمان ورهبری دینی نهضت مشروطه

**دکتر امیر تیمور رفیعی**

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی محلات

**محمد وزین**

کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی واحد محلات

### چکیده:

جایگاه و نقش مراجع دینی در جامعه اسلامی و روابط آنها با طبقه حاکم و مردم از مباحث مهم تاریخ ایران دوره اسلامی- به ویژه در دو قرن اخیر- است. بیداری و هوشیاری مراجع در برخورد با جریان‌های سیاسی زمانه و واکنش به کارکرد حکومت در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی و تأثیر و اهمیت بسزای روحانیت در جامعه و سیاست، مهم‌ترین انگیزه در بررسی حیات مراجع دینی در دوره قاجار و مشروطیت به شمار می‌آید. از جمله روحانیان مؤثر در روند سیاسی دوره قاجار آخوند خراسانی است که با دخالت مستقیم در نهضت مشروطیت ایران و حکم به وجوب آن، هم به رهایی مردم از فلاکت زندگی در زیر بار حکومت استبدادی، مدد رساند و هم حکومت مشروطه را از عناصر غریزه و ضد مذهبی تصفیه کرد. ایشان با دخالت مستقیم در متن نهضت مشروطیت، سایه روحانیت تشیع را در سراسر پهنه انقلاب مشروطه گسترد و اندیشه‌های روحانی و مذهبی خود را بر آن تحمیل کرد و مانع آزادی عمل انقلابیون غربزده ضد‌مذهب شد. هدف از انتخاب این موضوع، بررسی نقش کلیدی آخوند خراسانی در تحولات مذهبی و سیاسی مشروطیت و عملکرد ایشان در مقام مرجعیت شیعی و فعالیت‌های سیاسی ایشان در بین روحانیان و متفکران سده اخیر است و همچنین نقش رهبری آخوند خراسانی در اوضاع سیاسی نهضت مشروطه و اقدامات ایشان مبنی بر عدم حضور استعمارگران بیگانه که از نکات ویژه ایشان به شمار می‌رود. این پژوهش از نوع توصیفی می‌باشد که پژوهشگر از کتب، مقالات، نشریات و اسناد مختلف به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است.

واژگان کلیدی: محمدکاظم خراسانی؛ مرجعیت عامه؛ نهضت مشروطه.

مشروطه سرآغاز نوگرایی دینی در ایران، برگرفته از دموکراسی غربی بود. هر چند گروهی از روحانیان مذهبی هجوم تمدن غربی را غیر شرعی ارزیابی میکردند و تنها راه در مواجهه با تغییر مذهب و بدعت را در پناه بردن به سلطنت می‌دانستند. اما آخوند خراسانی، با بهره‌گیری از تفسیرپذیری احکام به عرصه حمایت از مشروطیت وارد شد. برای نخستین بار یک مقام مرجعیت شیعی از حق جمهور سخن به میان می‌آورد و برای حکومت، مشروعیت مردمی قائل می‌شود. طبق استدلال‌های او فرق ساختار دولت مشروطه با دموکراسی‌های غربی در این است که مردم امور عمومی را خودشان اداره کنند اما تمام امور در اسلام یک قید ذاتی دارد و آن اینکه مخالف شریعت نباشد.

آخوند خراسانی از سلسله حماسه سازان تاریخ ایران است. وی مرجع تقلید، مدرّس کم نظیر حوزه علمیه نجف و رهبر انقلاب مشروطه بود. تمام تاریخ نویسان مشروطه، حتی آنان که دشمن روحانیت و خواستار نابودی اسلام و استیلای فرهنگ غرب در ایران بودند رهبری او را در نهضت مشروطه پذیرفته‌اند. اما شگفتا که درباره اش کمتر از سایر دست‌اندرکاران نهضت مشروطه سخن به میان آمده است!

از مهمترین و برجسته‌ترین فرازهای حیات آخوند خراسانی نقش بسیار مهم و مؤثر و قاطع او در تأسیس و تحکیم مبانی مشروطیت ایران است. آخوند خراسانی بزرگترین مرجع تقلید و با نفوذترین پیشوای روحانی عالم تشیع در آن عصر شناخته می‌شد. با در نظر گرفتن شخصیت رفیع و مقام منیعش حکم او به وجوب مشروطیت، اثری قطعی و انکارناپذیر در تقویت موقعیت مشروطه‌خواهان و تأیید و تثبیت مشروطیت ایران داشت.

مهمترین و بارزترین کتابهایی که در این خصوص دارای سندیت بالایی می‌باشند عبارتند از: کتاب انقلاب مشروطیت ایران (محمد اسماعیل رضوانی) اشاره مبسوطی به نقش مراجع مشروطه خواه بویژه آخوند خراسانی در دوره استبداد صغیر، دارد.

کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر (حمید عنایت) محوریت موضوع، بر جایگاه مرجعیت جهان اسلام به ویژه آخوند خراسانی می‌باشد، و به تفسیر مفاهیمی چون، تقیه، شهادت، ولایت، غیبت، امر به معروف و نهی از منکر، همراه با مقتضیات زمان می‌پردازد. به وحدت و هم‌گرایی بین شیعه و سنی توجه زیادی دارد.

در کتاب برگگی از تاریخ معاصر (آقا نجفی قوچانی) شرح جامعی از فعالیتهای سیاسی واقدامات ضد استبدادی و ضد استعماری روحانیان مشروطه خواه، بخصوص آخوند خراسانی دارد، که به بررسی ابعاد شخصیتی و نقش آخوند ملاً محمد کاظم خراسانی در نهضت مشروطه می پردازد، و تعدادی از فتاوی آخوند خراسانی را نیز در بر دارد.

کتاب سیاست نامه خراسانی (محسن کدیور) که در آن به بخشهای سیاسی آثار آخوند خراسانی اشاره دارد و توجه زیادی به اندیشه و دیدگاههای سیاسی ایشان صورت گرفته است. کتاب حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی (محسن دریا بیگی) ابعاد مختلف حیات آخوند خراسانی، در مرجعیت و روحانیت زمان بویژه اوج شکل گیری نهضت مشروطه را مورد بررسی داده است.

مرگی در نور (عبدالحسین مجید کفایی) که تصویر کاملی از استعداد و تلاش علمی آخوند خراسانی را بعنوان یکی از اساتید مطرح حوزه نجف دارد و همچنین به نقش برجسته ایشان در پرورش تعداد زیادی شاگرد، که بسیاری از آنها از عالمان بزرگ حوزه های علمیه هستند، اشاره می کند.

مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ه. ق.) به حتم از بزرگترین مجتهدان جریان ساز شیعی است که در صد سال گذشته، همواره توجه دانشمندان حوزوی و مصلحان سنی و حتی متجدد را برانگیخته است. توجه به او دست کم از سه منظر بوده است:

۱- آرای اصولی و فقهی؛

۲- اندیشه های سیاسی و نظریه پردازی در حوزه حکومت و کشورداری؛

۳- رهبری علمی و عملی مشروطه؛

درباره هر یک از این ویژگی ها و کارنامه آخوند خراسانی، در منابع متعدد و گفتارهای فراوان، از جمله تک نگاری های بسیار، سخن های زیادی گفته شده است. دلیل این همه توجه و اهتمام به وی، تنها بلند پایگی او در علوم حوزوی و تألیف مهم ترین کتاب درسی حوزه (کفایه الاصول) نیست، بلکه افزون بر آن، جایگاه کلیدی ایشان در انقلاب مشروطه و دفاع نظری از مبانی دینی و فقهی نهضت مشروطه خواهی مردم ایران، نام وی را همواره برای همه محققان تاریخ معاصر و مورخان مشروطه و مردم ایران زنده نگه خواهد داشت.

یکی از مهم ترین مؤلفه های سیاست ورزی آخوندخراسانی، تلاش برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بود. ایشان حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی کشور اسلامی ایران را مصداق حفظ کیان اسلام و از اهم واجبات می دانست. در نتیجه با اشغال خاک ایران توسط روسیه و انگلیس، آخوند خراسانی تمام تلاش خود را برای بیرون راندن آنها به کار گرفت. سوال اصلی تحقیق را می توان این گونه بیان نمود که: جایگاه و نقش آخوند خراسانی در مرجعیت و رهبری نهضت مشروطه چیست؟ اهداف:

- ۱- بیان تمایز اصلی و اساسی آخوند خراسانی با مرجعیت زمان .
- ۲- بررسی موضع گیری و اقدامات آخوند خراسانی در برابر تجاوز بیگانگان.
- ۳- بیان ارتباط اصل دوم قانون اساسی با تلاش و رهبری آخوند خراسانی.
- ۴- تشریح عوامل عدم موفقیت نهضت مشروطه .

#### دودمان و آغاز زندگی آخوند خراسانی

محمد کاظم آخوندخراسانی در سال ۱۲۱۵ شمسی (۱۲۵۵ قمری) از خاندانی روحانی در مشهد ولادت یافت. (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ص ۴۱) اجداد او ریشه هراتی داشتند که در آن زمان از شهرهای شرق خراسان بود. پدر او ملا حسین هروی در جوانی برای ادامه تحصیل از هرات به مشهد هجرت کرد و در همان جا ساکن شد. ملا حسین واعظ هروی شخصیتی وارسته و بزرگوار بود که ، در کنار تبلیغ به تجارت ابریشم نیز مشغول بود. ایشان در یکی از سفرهای تبلیغی، در کاشان ازدواج کرد. سرانجام به جهت عشق علاقه ای که به امام رضا(ع) داشت به مشهد مهاجرت کرد و در آنجا برای همیشه ساکن شد. (قوچانی، ۱۳۶۲: ص ۴۷۴) درباره مادر محمد کاظم اطلاع درستی در دست نیست . (کفایی، ۱۳۵۹: ص ۸)

#### تأثیر تحولات تاریخی - اجتماعی بر ذهنیت آخوند خراسانی

چندین عوامل اجتماعی، تاریخی و فرهنگی، در تحولات فکری و ذهنیت آخوند خراسانی دخالت داشته اند، اینک به اختصار، به هر یک از عوامل اجتماعی- تاریخی و تحول فرهنگی رهبری نهضت مشروطیت، اشاره می شود.

**عامل تعیین کننده:** آنچه از مجموع عوامل اجتماعی- تاریخی و فرهنگی، عامل تعیین کننده است که می‌تواند بر ذهنیت اشخاص و افراد تاثیر گذارد و تغییر دهد، عامل اجتماعی است. عامل اجتماعی به عنوان یک واقعیت اجتماعی، تبیین گر حوادث دیگر اجتماعی و تفسیر کننده همه ذهنیتهای، مکاتب و نظام های سیاسی می باشد.

مثلاً آنچه که در واقعه تنباکو اتفاق افتاد، دو واقعیت پنهان را آشکار ساخت، یکی عمق نفوذ و حاکمیت استبداد سیاسی بود که در جامعه ایران ریشه دوانده بود و دیگر، عمق نفوذ معنوی و اقتدار روحانیت بود که در جان انسانهای ایرانی نفوذ داشت. واقعه امتیاز تنباکو، این واقعیت را کشف کرد و به ایرانیان و جهانیان نشان داد که ملت به رهبری روحانیت می تواند، نظام سیاسی- استبدادی جامعه را تغییر دهد و عوض نماید. در کنار این عامل اجتماعی، تاثیر مکاتب فکری، تحریر مبانی نظامهای سیاسی نیز تاثیر گذار می باشند.

بنابراین، در تحولات جامعه ایران اسلامی در دوره نهضت مشروطه، آنچه که عامل عمده در تغییرات اجتماعی بود و راه آزادی را از موانع آن باز شناخت، چندین حادثه مهم اجتماعی است. میتوان عوامل تاثیرگذار بر ذهنیت رهبری معنوی نهضت مشروطه را به طور خلاصه در چندین عامل موثر تشریح نمود:

۱- عوامل بیرونی ۲- عوامل درونی (کشور ایران) ۳- عوامل فرهنگی و فکری.

در تحلیل عوامل بیرونی وقوع و پیروزی ترکان جوان در دولت همسایه «عثمانی» میتواند عامل بیرونی تغییر، به حساب بیاید.

در مورد عوامل درونی روشنگریها و مبارزات سید جمال الدین اسدآبادی و تبعید اسفبار ایشان از ایران و تاثیر اندیشه های سید که با نامه نگاریهای خود با مرجع تقلید زمان- آیت الله سید حسن شیرازی- در مبارزه با استبداد و لغو امتیاز تنباکو. شکل گیری تحریم تنباکو و مقاومت روحانیت و مردم، در برابر زور دستگاه سلطان قجری و شکست استبداد ناصرالدین شاهی را میتوان عامل دوم درونی به حساب آورد. (کفایی، ۱۳۵۹: صص ۱۸۲-۱۸۳)

در کنار این عوامل میتوان از گسترش اندیشه اصلاحگری مشروطیت به وسیله مطبوعات و مجلات علمی از جمله «الهلال»، «المقتطف»، روزنامه «حبل المتین» و «اختر» که از استانبول و هند به وسیله روشنفکران ایرانی منتشر میشد و در حوزه نجف خواننده بیشماری داشت. از عوامل تاثیرگذار در ذهنیت آخوندخراسانی به حساب آورد.

**ضرورت مشروطیت از دیدگاه آخوند خراسانی**

نسخه مشروطه در ایران، در نظر آخوند خراسانی، به جهت علاج درد فساد کارگزاران دولتی، پیچیده می شود و او قصد خود را از مشروطه خواهی همین رفع ظلم و استبداد مسلط بر مردم و امر به معروف ونهی از منکر و اجراء قانون اسلام بر جامعه گفته است. مشروطه یا همان حاکمیت قانون، که حضور مردم را در صحنه عمومی و سیاسی می طلبد اموری هستند که استبداد را محدود می کنند و اوضاع مردم را بهبود می بخشد و اینها همان حقوق ملت هستند. «به عموم ملت بفهمانند که غرض ما از این هم زحمت، ترفیه حال رعیت و رفع ظلم از آنان و اعانه مظلوم و اغاثه ملهوف و اجراء احکام الهیه عز اسمه و حفظ وقایه بلاد اسلام از تطاول کفار و امر به معروف و نهی از منکر و غیرها از قوانین اسلامی نافع له قوم بوده است.» (کرمانی، ۱۳۶۲، صص ۱۹۶-۱۹۵)

مشاهده می شود که هر چند که ظاهر امر مشروطه خواهی به شیوه غربی می باشد، ولی طبق عقیده آخوند ماهیت و اصل عمل در جامعه اسلامی همانا، اجراء حکم الهی، حفظ بلاد اسلام، یاری مظلوم و امر به معروف ونهی از منکر است. از عبارات آخوند به راحتی می توان استنباط کرد که او معتقد است که مشروطه می تواند مجری احکام اسلام باشد. ایشان در راستای نظریه پردازی و به عبارتی اسلامی کردن مشروطه غربی که به نوعی قرائتی است همگام با آموزه های اسلامی، مطالب بسیاری را عنوان کرده اند: نخست آنکه ایشان نه تنها میان دین و مشروطیت تعارض و منافاتی را نمی بیند، بلکه اصول و مبانی آن را برگرفته از شرع اسلام می دانند. «بعد از کمال تأمل دیدیم مبانی و اصول صحیح آن از شرع قویم اسلام مأخوذ است.» و همچنین مشروطیت را، چنانچه بدرستی اجرا شود، همان مقصودی معرفی می کنند که جهت اصلاحات دولت و نیز حفظ دین بوده است. «صحت و مشروعیت آن بی شبهه و اشکال و علاوه بر آنکه موجب سد ابواب و تعدیلات و تجاوزاتی است که بر هیچ حدی واقف نبوده، بر همان مقاصد مهمه و اصلاحات لازمه که سالها بود در تحفظ دین و دولت و تخلص از چنگال اعادی در نظر داشتیم.» ایشان در شرح مفهوم مشروطیت این لفظ را در مقابل استبداد قرار داده و اینگونه توضیح می دهد که «مشروطیت عبارت از محدود و مشروط بودن ادارات سلطنتی و دوایر دولتی است، به عدم تخطی از حدود و قوانین موضوعه بر طبق مذهب رسمی آن مملکت.» آخوند خراسانی عملکرد دستگاه حکومت را محدود می کند به قوانین موضوعه، اما چه قوانین موضوعه ای؟ قوانین مصوبی که با شرع تطبیق

داده شده است. به نوعی با این تعریف، هم چارچوب قوه مجریه و هم قوه مقننه را تعیین می کند. همچنین آخوند خراسانی به خوبی اشاره دارد که هیچ الزامی وجود ندارد که مشروطه، در دو ملک عیناً مشابه بوده باشد. با این کوتاه سخن ضمن آنکه به مخالفان مشروطه پاسخ می دهد که مشروطه در چارچوب شرع انور اسلام برپا می شود و به اباحی گری نمی گراید. همچنین در مورد نظر روشنفکران درباره مشروطه ایرانی متمایل به غرب بود، تأکید دارد که لزومی ندارد که به لحاظ محتوا در ایران عیناً طبق مشروطه غربی عمل شود. و طرف مقابل آن که: « استبدادیت دولت است عبارت از رها و خود سر بودن ادارات سلطنتی و دایر دولتی و فاعل مایشاء و حاکم ما یرد و قاهر بر رقائب و غیر مسئول از هر ارتکاب بودن آنها است در مملکت.» (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، صص ۴۸۳-۴۶۸)

پس طبق نظر آخوند خراسانی اگر بخواهیم در جامعه اسلامی، مشروطیت برقرار کنیم، این حکومت طبق دین و آموزه های دین اسلام خواهد بود. ایشان تلاش برای استقرار مشروطه را به منزله جهاد در رکاب امام زمان (عج) دانسته و حفظ دین را در مشروطه می داند و احکام اسلام در جامعه ساری و جاری می گردد. «اهتمام در تشیید مشروطیت چون موجب حفظ دین است در حکم جهاد در رکاب امام زمان اروحنا فداء است.» (ملک زاده، ۱۳۷۱: ص ۱۷۵)

طبق عقیده او جهاد دفاعی بر عامه مسلمانان واجب و لازم است و بهترین مسأله در مسائل دینی همین تأسیس و تقویت نظام مشروطه است، زیرا اولاً از طریق نظام مشروطه و نظارت بر عملکرد دولت و دفع استبداد زمینه های ترقی و ثانیاً پیشرفت حاصل می شود و پیشرفت مانع از وابستگی و استفاده سوء بیگانه شده و رفع سلطه اجانب بر جامعه خواهد بود و استدلال می آورد که: « همه کس می داند اول، کفر از همین طرق، ترقیات کرده، دست تطاول و تغلب به خاک مقدس اسلامی گشودند.» (همان، ص ۲۴۳) به همین دلیل است که درمان امراض مهلک دستگاه خلافت قاجار را که اعمال و جهات استیلا و نفوذ خود را در عروق مملکت و ملت به درجه منتهی رسانده اند. مشروطیت دولت است و طبق گفته آخوند چنانچه علاج عاجلی به این امراض مهلکه نرسد به انقراض و اضمحلال کل مودی و عما قریب از دین و دولت اثری باقی نخواهد بود. توصیه به همراهی با پروژه مشروطیت، در نتیجه تأمل است و برای یافتن راهی برای درمان، ایشان در این زمینه می گوید: «بعد از تأمل علاج را هم متوقف بر چند امر دانستیم: اول اصلاح کلی از کلیه متصدیان و کارگزاران امور و تربیت آنها... دویم: تحصیل اتحاد کامل فیما بین ملت و دولت...

پادشاه تمام قوت بازو و ظهر خود را، به ملت داند... سیم: تهیه اسباب استغنا از مصوبات خارجه و از اهم واجبات است، دین و دنیای مسلمانان محفوظ از چنگال اعدای، مستخلص شوند.» که این سه اصل در پرتو مشروطیت حاصل می شود و مردم رها از متصدیانی که مرتکب اعمال دل بخواهانه غیر مشروعه می شوند. آخوند خراسانی به ترتیب توصیه هایش، ایراد اصلی را از ساختار معرفی و سپس حضور مردم را در خور اهمیت می داند و عنوان می کند که شاه مشروعیّت خود را از ملت بداند و همین مردم از طریق نمایندگانشان بر دستگاه دولتی نظارت داشته باشند، که همین سدی است بر حضور بیگانه. با پیدایش مشروطه آخوند خراسانی اتکا حکومت را به مردم مطرح می کند و معتقد است حکومت باید همراه باورهای عموم باشد و در این فراها است که به نظر می رسد نگاه مردم سالارانه در اندیشه خراسانی تقویت میشود و حکومت مورد نظر وی از این جهت به حکومت های عرفی نزدیک می - شود. (جبل المتین، ۳۲۶ ق:ش: ۱۴، ص ۳)

نکته ای که اینجا مطرح می شود آنکه در این مشروطه که به گفته آخوند خراسانی، استقرار آن به منزله جهاد در رکاب امام زمان (عج) است و سر مویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت است، چه نوع تمهیداتی و سازوکاری باید اعمال شود که متناسب با آموزه های اسلام و جامعه ایرانی شیعی باشد. (سازگاری مشروطیت و دیانت) و اینکه اگر مشروطه ایران اقتباسی از مشروطه غربی است، چه تضمینی است که در چنین نظامی ابا حیگری رواج نیابد و اصولاً چه تفاوت ماهوی میان مشروطه غربی و ایرانی وجود دارد تا اینکه در نوع اخیر قیودات و تکالیف شرعی همچنان جاری و نافذ بماند.

#### توصیه به وجوب عدم تخطی از قوانین شرع در مشروطه ایرانی

آخوند خراسانی مشروطه را با توجه به مذهب و مرام هر کشوری تفسیر می کند، آنجا که می نویسد: «همچنانکه مشروطیت و آزادی سایر دول و ملل عالم بر مذاهب رسمیه آن ممالک مبتنی و لهذا از خلل مصون است همینطور آزادی ایران هم براساس قویم مذهب رسمی مملکت که ابدالدهر خلل ناپذیر است، استوار شود.» به عقیده آخوند خراسانی تا مادامی که آزادی جامعه در چارچوب معین تعریف شود، مشکل پیشامد نمی کند و می تواند مشروطه و آزادی تعریف شده باشند و بر اساس حدود خاص و مذهب رسمی کشور عمل شود. (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: صص ۶۰۰-۵۹۸)



در مقام عمل نیز آخوند خراسانی نشان داده که نسبت به هرگونه تعرض به احکام شریعت و دستگاه روحانیت آگاه است و جهد بلیغی کرد تا آنچه حاصل می افتد مبتنی بر احکام شریعت باشد. از آن جمله نامه به مجلس در ۱۳۲۴ق، در قضیه تأسیس نظام قضایی نوین در نامه ای به مجلس به نمایندگان اعلام کرد: «یقین است که فصول نظامنامه قانون اساسی را... طوری مرتب و تصحیح فرموده اند که در موارد مراجعه به محاکمات و سیاسات با موازین شرعیه منطبق (باشد) و به توارد انظار و مرور دهور و اعصار مورد شبهه و اشکال نباشد.» (کرمانی، ۱۳۶۲: صص ۶۷-۶۶)

### مواضع آخوند خراسانی در برابر مشروطیت

پس از سقوط محمدعلی شاه پس از آن که مبارزان بختیاری و سپاه محمد ولی خان تنکابنی با موافقت روس و انگلیس تهران را فتح کردند، خبر عزل محمدعلی شاه و جلوس فرزندش، احمدشاه، به نجف رسید. آخوندخراسانی طی تلگرافی مردم را به آرامش دعوت کرد و از آنان خواست که از آن پس مالیات را به دولت بدهند.

متن تلگراف چنین است: «توسط انجمن های ایالتی و ولایتی به عموم ملت ایران اعلام می شود: ارتفاع حکم ادای مالیات و لزوم اهتمام در رفع انقلابات را سابقاً بعد از تغییر سلطنت اعلام، باز هم تأکیداً اظهار می - شود: الیوم حفظ مملکت اسلامی، به امنیت کامله و تمیکن از اولیای دولت، متوقّع، و اندک انقلاب موجب مداخله اجانب و دشمنی به دین مبین اسلام است.

آخوندخراسانی پس از سقوط استبداد صغیر، برای تداوم و حفاظت از مشروطیت، آموزش نظامی را واجب نمود. در این باره در یکی از اسناد آمده است: ... معلوم است که حفظ اسلام و پاس بانی ممالک اسلامی تکلیف عامه مردم است و بر هر فردی از افراد مسلمین واجب است که به حسب قوه و استعداد خود، در مقام تحصیل مقدمات آن برآید، در اقدام به لوازم آن کوتاهی نکنند... بر عموم جوانان مسلمین و ابنای ملت اسلامی واجب است که در مشق نظامی و تعلّم قواعد حربیه جدید، که معمول این زمان است، هیچ گونه مسامحه و مساهله ننمایند... الاحقر الجانی محمدکاظم الخراسانی (کفای، ۱۳۵۹: صص ۲۰۳\_۲۰۵)

آخوند سپس تلگراف هایی برای ناصرالملک نایب السلطنه احمدشاه و وزارت جنگ و وزارت داخله و ریاست مجلس شورای ملی فرستاد و در آن از مجاهدات امرا و سرداران عظام ملی و مجاهدان دین پرست وطن خواه و طبقات ملت ایران در استقرار اساس قویم مشروطیت تشکر کرد

و به آن‌ها پندهای نیکو داد تا در ایجاد نیروهای مسلح، که اهم تکلیف فوری و مایه نجات مملکت از ممالک و قطع تشبثات اجانب است، بکوشند و از منیهاتی که دولت قبل مرتکب آن می شد، از قبیل «تکثیر ادارات مضره و توسیع دوائر مفسده و صرف مالیه مملکت از مال ملت مظلومه» بپرهیزند و عفو عمومی بدهند تا زندانیان سیاسی آزاد گردند... و قوانین مملکتی را بکلی با حضور هیأت مجتهدین عظام نظار که سابقاً به مجلس معرفی شدند مطابق قانون اساسی عاجلاً مترصد، و از منکرات اسلامیه و منافیات مذهب، به کمال شدت و سختی جلوگیری فرموده، از ادارات مملکتی به اقل ضرورت اکتفا و مستخدمین در کلیه ادارات، خصوصاً در عدلیه، را از مردمان با قناعت و دیانت و صحیح‌الملک و العقیده انتخاب و مصارف را همه به اقل آنچه ممکن شود، برقرار فرمود. ناصرالملک، نایب السلطنه ایران، به تلگراف مفصل آخوند، که حاوی دستورات برای مملکت داری بود، چنین پاسخ داد: «... از مدلول گرامی تلگراف منبع مورخ ۲۹ جوزا بر ترقیات قوای عسکریه و اطمینان قلوب عامه طبقات، که باعث استقلال و استقرار مملکت و آسایش ملت و در واقع و نفس الامر، حاوی تعلیقات و دستورالعمل‌های لازمه بود، اطلاع کامل حاصل و موجب بسی خوش وقتی خاطر و باعث مزید عوالم قلبیه شد... بر ذمه هر فرد از مسلمین فرض است که در حفظ ثغور و حدود اسلامیان که در واقع حفظ اسلام است، خود را حاضر و آماده سازند و بر اولیای دولت لازم است که اسباب و ادوات آحاد نظامی را فراهم بیاورند. (کفای، ۱۳۵۹: صص ۲۳۵-۲۴۴)

ایشان طی این نامه به ناصر الملک تأکید دارد به حسن مراقبت مبعوثان ملت در پرتو قوانین مذهب رسمی کشور (بحث تلفیق دین و سیاست) و همچنین یادآوری می‌کند که عدم تخلف از فصل دوم متمم قانون اساسی از اهم وظایف مبعوثان ملت است و ابراز اطمینان می‌کند که «در خصوص ترتیب قانون عدلیه مراقبت کامله لازم است که به عون الله تعالی. آخوند خراسانی هر چند که طبق نظرشان مشروطه با شرع در منافات نیست و مجلس عمارتی است برای مشورت امنای ملت در مصالح و مضار مملکت اما هستند کسانی که مانع اجرای احکام الهیه شده، پس، حضور متخصصین امر لازم شمرده می‌شود.» مجلس شورای ملی ماده شریفه ابدیه که به موجب اخباراصله در نظامنامه اساسی درج و قانونیت مواد سیاسییه و نحوها من الشرعیات را به موافقت با شریعت مطهره منوط نموده اند، از اهم مواد لازمه و حافظ اسلامیت این اساس است و چون زنادقه عصر به گمان فاسد، حریت این موقع را برای نشر زندقه والحداد مغنم و این مساله قویم را

بدنام نموده لازم است ماده ابدیه دیگر در رفع این زنادقه و اجرای احکام الهیه غراسمه بر آنها و عدم شیوع منکرات درج شود تا بعون الله تعالی نتیجه مقصوده بر مجلس مترتب و فرق ضاله مأیوس و اشکالی متولد نشود.» (همان، ۲۴۶)

از آنجا که در اندیشه آخوند خراسانی، عنصر دین دخالت دارد و اندیشه وی مرکب از دین و مردم سالاری است، معتقد است قوانینی که مجلس وضع نماید، باید برای مطابقت دادن آنها با شرع، مجاز از طرف مجتهد باشد. و جنبه شرعی در آن لحاظ شود.

### مجلس شورای ملی و جعل قانون بشری و دیدگاه آخوند خراسانی

بحث قانون گذاری در مجلس شورای ملی از دیگر موارد اختلاف برانگیز بود که مشروعه خواهان با این توجیه که: «بهترین قوانین، قانون الهی است و این قانون الهی مخصوص به عبادات نیست بلکه حکم جمیع مواد سیاسیه را بر وجه اکمل و اوفی داراست»، با هرگونه قانون گذاری مخالفت می کردند. این عده براین اعتقاد بودند که مجلسی که بتواند قانون وضع کند، از نظر اسلام بدعت است و همچنین از نظر شیعه، مشروعیت ندارد زیرا اولاً تشریح قانون از نظر شیعه بدعت و نامشروع است و ثانیاً التزام به آن نیز بدون ملزم شرعی هیچ گونه اعتباری ندارد. به عبارتی مشروعه خواهان مجلس را در جایگاه نظارتی اجرای قوانین شرع قبول داشتند. آخوند خراسانی، در مقابل کسانی که اقدام به توجیه و تبیین نظری عملکرد حکام خودکامه می کنند، می ایستد. وی مجلس شورای ملی را رابطه اتحاد و اتصال میان دولت و ملت می داند، «مجلس شورای ملی همان رابطه اتحاد و اتصالی است که همیشه فیما بین دولت و ملت آرزومند آن بودیم و مفتاح تربیت و ترقیاتی است که سایر ملل نائل و ما خود را محروم داشته بودیم.» (کرمانی، ۱۳۶۲: صص ۲۹۱-۲۸۷)

در نظر آخوند خراسانی وارد نمودن عنصر قدرت مردمی در اداره امور است، که می تواند رابطه میان ملت و دولت را متحول سازد و خود به عرصه ای جدید از کسب آزادی های مدنی و حقوقی مردم تبدیل شود و سرانجام مانع از ظهور استبداد گردد. ایشان در واکنش به ادعای مخالفت مجلس با اسلام در نامه ای به صورت مبسوط با طرح استدلالات خود، قانونی بودن و تحت ضابطه قرار گرفتن امور مملکت، را مفید به احوال مملکت می شمارد و بر ضرورت کاستن از جور از طریق وضع قانون تاکید می نمایند. «مراد از مجلس شورای ملی عمارتی است که برای

مشورت کردن امنای ملت در مصالح و مضار مملکت مهیا داشته اند. نتیجه آن جز اطلاق سلطنت جور را تقیید کردن و ادارات هرج و مرج دولت را در تحت میزان مضبوط در آوردن که عمل به آنها برای مملکت اسلامی مفید باشد نه مضر چیز دیگر نیست.» از نظر آخوندخراسانی در مصالح مملکت و اموری که برای مسلمین حدوث پیدا می کند حضور عقلای مسلمین لازم است که با شور و مشورت مصلحت و مضار جامعه را تشخیص دهند. علاوه بر آن مجلس ضمانت اجرایی است، برای قوانین شرع. از سوی دیگر قوانین موضوعه مصوب مجلس اهرمی است در برابر خودسری دولت و عامل استیفای حقوق حقه ملت. خراسانی معتقد است مجلس شورا در صورت تشکیل، حکم و قانون شرعی تشریح و جعل نمی کند، تا اینکه بدعت و دخالت در کار شرع باشد؛ در ثانی برخی از قوانین تحت عناوین ثانوی و عرضی قرار می گیرند و در این صورت، به امورعرفی مربوط میشود و الزام این نوع قوانین به حکم عقل خواهد بود، نه شرع و این مسائل، به نوعی مقدمه واجب غیر شرعی غیر مستقل شمرده می شوند.

ایشان با تفسیری که از امر به معروف و نهی از منکر ارائه می دهد امکان و چگونگی تقلیل ظلم را بعنوان یکی از مقدمات تأسیس حکومتی که مورد قبول شرع باشد مطرح می کند و طبق اعتقاد وی تدوین قانون که متضمن «تحدید استیلاء» حکومت گران ستم پیشه است، بر طبق ضروریات مذهب، لازم و واجب است و هدف از آن هم حفظ نظام اسلام و مهار کردن قدرت استبدادی است و از سوی دیگر مصون ماندن از تعدیات بیگانگان و کفار است و این دو طبق اسلام واجب و برای رسیدن به این اصل واجب اسلامی، ابزار و وسیله آن که تدوین قانون باشد، هم واجب می شود که البته در چارچوب قوانین شرع باشد.

بدین ترتیب آخوند خراسانی بنای مجلس را بر امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از ظلم حکام دانسته و معتقد است: «مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت ملهوف و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است قطعاً عقلاً و شرعاً و عرفاً راجح بلکه واجب است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است.» (روزنامه خورشید، ۱۳۲۵ق:ش ۳۰، صص ۲ و ۱)

ایشان بر وجوب شرعی و عقلی حفظ اساس مشروطیت و استحکام مجلس شورای ملی تأکید دارند و تحدید قدرت حاکم و نیز سد تعدیات بیگانگان را از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می شمارد. آخوند در این حکم وجوبی از اصطلاح "قطعاً" استفاده کرده است و در اصول

فقه شیعه بحثی با عنوان "قطع ظن" وجود دارد که علما معتقدند "قطع" به ماهو قطع حجیت دارد و حتمی بودن را وصد در صدی را می رساند. البته آخوند خراسانی عقل، شرع و عرف را نیز اضافه می کند. وجوب از لحاظ شرع اسلام یکی از احکام خمسه ی تکلیفیه (وجوب، حرمت، مستحب، مکروه و مباح) است که علما در بحث مستقلات عقلیه باور دارند که وجوب یکی از استناداتش عقل است. عرف هم عرف مسلمانان است و بنا به نظر فقها عرف مسلمین نیز می- تواند یکی از مبادی رجحان و یا لزوم امری باشد. آخوند خراسانی متوجه حضور افرادی که توجیه دینی برای حفظ وضع موجود می آورند هست و این عملا خطرناک تر خواهد بود. چرا که منجر به استبداد دینی می شود که حاکمان در این نوع استبداد، به نام دین حکومت می کنند و هر آنچه را که با رای و نظر حاکم مستبد مخالف بوده باشد، از جمله مشروطیت و محدودیت حکومت را، به گونه ای جلوه می دهند که گویی از حکم و رای خداوند تخلف کرده اند (مانندوضع قانون). هرچند مخالفان قیام در برابر استبداد را به ضرر دین معرفی کردند و این که قانون بشری، قانون الهی را به حاشیه می کشاند اما آخوندخراسانی در نقطه مقابل، مشروطه و وضع قوانین را مقید کردن و تحدید دولت بی مسئول و برخوردارى مردم از حقوق شان دانسته به عقیده وی این مجلس همان مکانیزم اجرایی است که با نظارت اهل فن و متخصصین دین، در جامعه از رواج اباحی گری ممانعت بعمل می آورد. ایشان درخطاب به مجلس عنوان می کنند:

«مجلس شورا آخرین علاج امراض مهلکه مزمنه مهلکه است، اگر خدای ناخواسته باز هم اغراض شخصی منظور و جلوگیری باشد امکان استعدادی خود را باطل و عرض و ناموسمان را برباد داده و انگشت نمای ملل و دول خواهیم بود. قوانین محکمه دین مبین را ناموس اکبر و از اعظم اسباب ترقی و نفوذ و فقط رسمی از آن باقی است، صحیحا به موقع اجرا و مصالح دولت و انتظامات مملکت را بر وجه احسن و نظام اتقن مرتب و ابواب استبدادات و تعدیات و حیف و میل و خائناتی که خانه ملت را چنین ویران و روزگار دولت ابد آیت را که حارس دین و مایه شرفمان است به این درجه منتهی، و زیربار این مبلغ خطیر قرض از اجانب نموده بکلی مسدود نمایید» (روزنامه تبریز، ۱۳۲۴ق:ش ۳۸، صص ۲و۱)

با تأمل در این فراز در می یابیم که آخوند خراسانی دو قسم مسئولیت را برای مجلس لحاظ کرده است؛ یکی مرتبط با قوانین و احکام دین و اجرای آن که، مربوط به احکام شرع است، و دیگری مربوط به قوانین عرف که وکلا مسئول لحاظ کردن مصالح دولت و انتظامات مملکت بر

وجه احسن هستند تا با وضع این قوانین و به نظم درآوردن مملکت باب استبدادیت و تعدیات دول بیگانه را مسدود نمایند. از همین رو آخوند خراسانی وظیفه و حق قانون گذاری را از وظایف مجلس و وکلای ملت بر می شمارد.

بر طبق دیدگاه آخوند خراسانی ونظریه های شیعی، سیاست به دو دسته تقسیم شده معصوم و غیر معصوم. در دوره حضور همه مناصب سیاسی، قضایی و علمی از امام معصوم ناشی میشود اما در دوره غیبت مناصب امام از ان چه کسی می شود. خراسانی نسبت به حاکم غیر معصوم، فقیه یا غیر فقیه، مطلق الاختیار بودن غیر معصوم را نوعی ابداع در احکام می داند. (صور اسرافیل، ۱۳۲۷ق:ش ۲، ص ۵)

به عقیده آخوند خراسانی، مشروطه به علت ایجاد مانع قانونی در برابر خود خواهی و خود سری سلطان و سلطنت اولاً: امری واضح و مبرهن است و جزء بدیهیات زندگی انسانی به شمار می رود و ثانیاً: می تواند بر گرفته از اسلام باشد چراکه بر اساس آموزه های فقهی شیعه، ولایت به معنای تصرف در جان و مال مردم فراتراز آنچه که ولی مطلق مصلحت دانسته، مجاز نیست. آخوند باور دارد که مشروطه، نظمی است که با مقید ساختن حکومت و سلطنت، عامل ترفیع حال رعیت است و از این نگاه، جزء ضروری دین می شود و هر کس آن را انکار کند در شمار منکرین دین قرار می گیرد. می توان چنین تفسیر واستنباط کرد که این فراز از کلمات آخوند خراسانی، در حقیقت واکنشی است به کسانی برای حاکم غیر معصوم، اعم از فقیه و غیر فقیه، ولایت مطلقه قائل هستند. آخوند این نوع حکم و تفکر را بدعت در دین بر می شمارد و در مقابل این تفکر، ایشان معتقد است که یک خرد جمعی وجود داشته باشد که امور مملکتی و مصلحت جامعه را تشخیص دهند، تا مانع از خودسری دولت شود. به این ترتیب، آخوند خراسانی تکلیف عموم مسلمانان را جهاد در راستای مجلس عنوان میکند و معتقد است: «امروز تکلیف عموم مسلمانان قهراً همین است که ترک مسلک خبیث استبداد نموده و در تحصیل این مشروع مقدس که اقامه دارالشوری ملی و اجرای قانون مساوات قرآنی می باشد غایت جهاد را مبذول دارند تا از برکت آن بتواند حفظ سلطنت اسلامی را نموده باشند.» مشروطه خواهی را به شرع نسبت میدهد و معتقد است که «سلطنت مشروطه و عدالت و مساوات در کلیه امور حسبیه به شرع اقرب از استبداد است.» (حبل المتین، ۱۳۲۶ق: ش ۱۶، صص ۸-۵)

«مراد از سلطنت مشروطه در لسان همه عالم غیر از این نباشد که خیالات شاه و حواشی او خودسرانه نشود که هر خرابی که خواست در مملکت بکند بلکه میزان عمل جمیع آنها از روی قانون منضبط باشد.» بدین شکل، ایشان تأسیس مجلس شورا را مشروع و محرز دانسته اند و به طبع جای بحث برای لوازم آن که وضع قانون است باقی نمی ماند. (شریف کاشانی، ۱۳۶۲:ص ۶۱) مسأله دیگری که در عصر مشروطه در میان مراجع موافق و مخالف مشروطه مطرح شد مشروعه دانستن حکومت مشروطه می باشد. مخالفان مشروطه (از جمله شیخ فضل الله نوری) حکومت مشروطه را خلاف شرع دانسته، حکومت محمد علی شاه را سلطنت اسلامی معرفی و اوامر وی را شرعاً مطاع می داند و خود را طرفدار حکومت مشروعه معرفی می نماید: بدین شکل لفظ «مشروطه مشروعه» طرح می گردد. و اما موضع آخوند خراسانی در برابر این عده، آن است که بالحق لفظ «مشروعه» به حکومت مشروطه، مخالفت می کند و حکومت مشروعه را تنها برای حاکمیت معصوم محقق می داند. به نظر آخوند خراسانی ضروری مذهب امامیه این است که حکومت مشروعه تنها با زمامداران معصوم میسر است و هر حکومتی با زمامداری غیر معصوم غیر مشروعه است. از سوی دیگر ایشان در پاسخ به مخالفان، معتقد است که روزگاری ملت ایران تحت حکومت سلطنت استبدادی زندگی می کرد و بحث شرعی و غیر شرعی مطرح نبود ولی هم اکنون طرح شده است. لذا ایشان بر این باور است همان گونه که سلطنت استبدادیه شرعی نیست، سلطنت اسلامی که حد اقل ظلم را می نماید نیز شرعی نیست.

به اعتقاد ایشان حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند در مقام تشریح به معصوم واگذار شده است به عبارتی مرتبه ای از ولایت خداوند به معصوم می رسد. از این رو آخوند خراسانی سلطنت از هر نوعی را در زمان غیبت امام عصر، سلطنت غیر مشروعه می داند. البته سلطنت جور دارای مراتب است و در صورتی که سلطنت مقید و محدود باشد، ظلم و جور آن کمتر خواهد بود. به همین جهت در عصر غیبت، بایستی جهت ظلم حداقل و مانعی در برابر یگانه تازی حکومت و عاملان، تمهیداتی سنجیده شود و اینجاست که آخوند خراسانی به سمت و سوی عرفی شدن حکومت می رود.

### آخوند خراسانی و فتوای مشروطیت

محصول این همه عوامل تأثیرگذار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، علاوه بر اندوخته های عقلانیت تشیع و علم اصول فقه آخوند خراسانی، رهبری فکری این مجتهد شیعی در نهضت مشروطیت (۱۳۲۴ ق) است که نهضت مشروطیت را رهبری می کرد و به حق، شایستگی، رهبری چنین نهضت ضد استبدادی و آزادی خواهی را داشت. آخوند خراسانی در گرماگرم مبارزه با تنگ نظران، انزواگرایان حوزه نجف با زمان [شناسی] فراخور شایستگی، رهبری نهضت را بدست گرفت. آخوند خراسانی در پاسخ استفتاهای بی شماری که از همه اقطار ایران به سوی نجف و بیت مرجع تقلید ارسال می شد چنین پاسخ داد:

«بسم الله الرحمن الرحيم

و صلی الله علی محمد وآله الطاهرين و لعنت الله علی القوم الظالمین الی یوم القیمه.

اما بعد با تأییدات الهی و مراحم آسمانی و تحت توجهات و ارشادات حضرت صاحب الزمان روحی فداه؛ قوانین مجلس (شورای ملی) به آن نحو که فرموده اید قوانین مقدس و محترم است بر همه مسلمین واجب و فرض است این قوانین را بپذیرند و آنها را اجرا نمایند. باز تأکید و تکرار می کنیم: اقدام و مخالفت با مجلس عالی به مانند اقدام و مخالفت با احکام دین حنیف است. بر مسلمانان واجب است که در برابر هر حرکت ضد مجلس مقاومت نمایند. ملا کاظم الخراسانی «کفای، ۱۳۵۹: ص ۱۹۲»

در اندرزنامه ده ماده ای خود، به محمدعلی شاه در دوران استبداد صغیر، نوشت: «کوشش کنید برای بسط عدالت و مساوات واقعی به صورتی که شخص شاه یا ضعیفترین افراد ملت از لحاظ حقوق برابر باشد. و احکام شرعی اسلامی بر جمیع افراد بدون استثناء حاکم باشد و هرگاه شخص شاه در این راه ثابت قدم باشد و در اجرای این تکلیف بکوشد مسلماً معاندین سرشکسته خواهند شد و اساس عدالت مستحکم خواهد گردید نه اینکه فقط این امر جنبه حرف و وهم به خود بگیرد.» (همان، ص ۲۸۱)

و در موردی که ملاحظه کرد محمدعلی شاه به استبداد خود ادامه می دهد و با مجلس مخالفت می کند عزل او را خواستار شد:



«به عموم ملت ایران حکم خدا را اعلام میداریم: الیوم همت در دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرمات است.» محمد کاظم خراسانی

آخوندخراسانی نظام مشروطیت را برای رفاه حال ملت، آبادانی کشور، گسترش عدالت می خواسته و اداره امور کشور را از طریق «شورا» برای همه عقلا به افراد شایسته بدون امتیاز طبقه‌ای بر طبقه دیگر، و بطور کلی مساوات همه آحاد ملت می دانسته است.

روزنامه حبل المتین در شماره ۱۹ جمادی الاول سال ۱۳۲۵ ق، می نویسد وقتی از چند نفر طلاب [تهرانی] تلگرافی برای آخوندخراسانی رسید مبنی بر اینکه: «حکم بفرمائید یکی از شرایط قانون اساسی این باشد که ابدالدهر پنج نفر از علمای تهران جزو مجلس باشند.» جناب آخوند، خیلی برآشفتم که این چه بیهودگی است. در صورتیکه سی نفر متجاوز از طرف مراجع در مجلس موجودند، طبقه آقاییان میتوانند روحانیان بزرگ را وکالت داده به مجلس بفرستند.

شرافت مجلس همان مساوات است که از احکام قرآنی و اسلام شناخته می شود. هیچکس را نباید بر دیگری مزیت باشد ورنه مایه هزاران گونه خرابی و اختلاف خواهد گردید.» (همان، صص ۱۶۲ و ۱۶۳)

آخوند خراسانی در ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۵ ق، نامه ای برای نمایندگان مجلس می فرستد و آنها را به اجرای قوانین اسلامی پرداخت بدهی های دولت و فقر زدایی سفارش می کند. اما در زمانی کوتاه، روشنفکران غریزه و فراماسونها اندک اندک، قدرت را به دست می گیرند و روحانیت را از صحنه کنار می گذارند. (همان، ۲۰۹)

#### واکنش آخوند خراسانی نسبت به کجروی‌ها و انحرافات

نظر به آن که انقلاب مشروطه اولین تجربه ملی مردم ایران در رها شدن از قیود حاکمیت استبدادی پادشاهان بود، سوءاستفاده برخی افراد و گروهها از مفهوم آزادی موجب شد به لحاظ فرهنگی و اخلاقی، نوعی افسارگسیختگی در جامعه رخ دهد و به واسطه سوء مدیریت و آشفتگی های ادارات تازه تأسیس یافته، مشکلات عدیده‌ای دامنگیر مردم شود. مجتهدان عتبات، به‌ویژه آخوند خراسانی، که خود را موجد مشروطیت می‌پنداشتند، نمی‌توانستند نظاره‌گر سوءاستفاده از فضای به وجود آمده باشند. آخوند خراسانی یکبار نسبت به پرده‌داری روزنامه‌ها

به ناصرالملک شکایت کرده، خواستار برخورد با آنها شد: «در بعضی جرایم معتبره مملکت، به جای آن که قوانین موضوعه برای منع از ارتکاب منکرات اسلامی را اشاعه و این اساس سعادت را استوار نمایند، افتتاح قمارخانه‌ها و بیع و شرای و مالیات بستن بر مسکرات و نحو ذلک را اعلان [می‌کنند]... لهذا لازم است به دفع این مفساد مبادرت [گردد]...» این نامه در مجلس خوانده شد و موجب تحریک نمایندگان مردم و استیضاح آنان از وزیر داخله گردید و چند روز بعد، اعلانی با مضمون زیر به وسیله نظمیه تهران منتشر گردید: «قمار و شرب مسکرات و خرید و فروش لاتاری علناً ممنوع و مرتکبین به مجازات قانونی جداً محکوم خواهند شد.» نظر به همه‌جانبه بودن فساد، آخوند خراسانی چند ماه بعد نامه مفصل دیگری برای نایب‌السلطنه ارسال کرد و در آن خاطر نشان ساخت که مشروطیت با هدف «حفظ دین و احیای وطن اسلامی» صورت گرفته است، نه به خاطر آن که «به جای اشخاص آن اداره استبدادیه... یک اداره استبدادیه دیگری از مواد فاسده مملکت به اسم مشروطیت» ایجاد شود و «به جای تشکیل قوای حریبه نظامیه، که اهم تکالیف فوریه و مایه نجات مملکت از مهالک و قطع تشبثات اجانب است، به تکثیر ادارات مضره و توسیع دایره مفسده و صرف مالیه مملکت در این مصارف پردازند.» آیت‌الله خراسانی به وضع مالیات‌های تازه معترض بود؛ چرا که این تحمیلات «طبقات ملت را به ضدیت با اساس مشروطیت» می‌کشاند. وی در این نامه مفصل، مستفرنگان (دل‌باختگان فرنگ) را این چنین تهدید کرد: «عشاق آزادی پاریس، قبل از آن که تکلیف الهی (عز اسمه) درباره آنها طور دیگر اقتضا کند، به سمت معشوق خود رهسپار و خود و ملتی را آسوده [کنند].» آخوند خراسانی سپس از نایب‌السلطنه تقاضا کرد قوانین مملکتی را با نظارت هیأت مجتهدین ترتیب داده و مجلس سنا را تشکیل دهند. اما از آنجا که اوضاع کشور سامان درستی نداشت، کابینه‌ها و حکام هر چند ماه یکبار عوض می‌شدند و دعوای میان فرق و احزاب به شدت ادامه داشت. از نایب‌السلطنه نیز هیچ‌کاری ساخته نبود، جز آنکه بگوید: «در هر موقع عمل بر مواظط حسنه و نیات مستحسنه آن وجود شریف به عموم ملت فرض و متحتم است» و بیفزاید که «اجرای مدلول تلگراف» را به سازمانها و نهادهای مربوطه گوشزد کرده‌ام. سال بعد نیز آخوند خراسانی نامه گله‌آمیزی به نایب‌السلطنه نوشت: «تمام مجاهدات و زحمات چندساله [که] در استحکام اساس مشروطیت تحمل شد، برای حفظ استقرار مملکت اسلامی و ترویج شریعت [بود]... لیکن به واسطه سوءاستعمال و داخل شدن اشخاص مفسد در امور مملکت و اعمال اغراض مانده، تاکنون نتیجه بدی داده، موجبات تنفر عموم را فراهم و مشروطیت را بدنام

و تابه حال مکرر کتباً و تلگرافاً جمیع این مفاصد را خاطر نشان اولیای دولت و وکلای ملت نموده اند، همه را به مسامحه گذرانیده، در مقام اصلاح مفاصد و تدارک مافات بر نیامدید... عاقبت وخیم خواهد بود.» (ملک زاده، ۱۳۷۱، ج ۱: صص ۱۳۸-۱۳۶)

### نقش مراجع نجف به رهبری آخوند خراسانی در هدایت و حمایت نهضت مشروطیت ایران

واقعیت تاریخی نشان می دهد که آخوند خراسانی در حمایت و رهبری مشروطه پس از آغاز استبداد صغیر دارای نقش بنیادی بوده است و رهبری اصلی و بلا منازع مشروطه دوم را بر ضد محمد علی شاه به عهده داشته است که اگر حمایت های مراجع نجف نبود، امکان تسلط بر غول استبداد شاه میسر نمی شد، گر چه منظور آخوند خراسانی و دیگر مراجع، اجرای دستورات دینی و قوانین الهی و کاستن از ظلم و استبداد بوده است و نماینده جریان مذهبی مشروطه بودند اما رهبری کل حرکت را به عهده داشتند.

ابتدا مروری گذرا به نهضت مشروطه داشته، آن گاه نقش آخوند خراسانی را در دوره های مختلف آن و تلاش هایی که داشته بررسی نموده و عمده تلاش های ایشان را ذکر میکنیم.

### نهضت مشروطیت ایران

جنبش مشروطیت ایران از رخداد های مهم سیاسی، اجتماعی و مذهبی تاریخ معاصر ایران بوده که در روز یکشنبه ۱۴ جمادی الاخر سال ۱۳۲۴ ق، برابر با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی، با حکم مظفرالدین شاه، رسمیت یافت اما از شروع مبارزه تا استقرار آن زمانی صرف شد و در آغاز همه گروه ها و اقشار مردم در آن نقش داشته و به طور فعال آن را حمایت کردند. ولی نقش سه گروه از همه بیشتر بود. بازرگانان، مراجع و روشنفکران. بازرگانان خواهان استقلال اقتصادی کشور بوده و با نفوذ بیگانگان مخالف بودند، شروع حرکت مشروطه و نهضت عدالت خانه به بهانه تنبیه چند بازرگان آغاز شد که باعث اعتراض مراجع گردید و اولین شهید مشروطه، طلبه ای سید به نام سید عبدالحمید بود، روشنفکران نیز حرکت و قیام ایجاد شده را بستری مناسب برای دگرگونی در صحنه سیاسی کشور دانسته و وارد مبارزه سیاسی شدند و با آگاهی که از مسائل سیاسی جهان داشتند باعث تعمیق قیام مردم و طرح اهداف مهم تر گردیدند، جریان مشروطه که با اعتراض مراجع شروع شد و در آغاز خواهان عدالت خانه بودند خواست خود را به ایجاد مشروطیت ارتقاء

دادند که نتیجه آن شرکت مردم در تصمیم‌گیری در امور سیاسی و مملکتی بود. (کرمانی، ۱۳۶۲: ص ۴۷۹)

مراجع که در حرکت به طرف حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و سپس شهر قم خواسته خود را مطرح کردند، هم رهبری قیام را به عهده گرفتند و هم توانستند توده‌های مردم را وارد صحنه سیاسی نمایند. (همان، صص ۵۱۳-۵۵۸)

برابر اولین نامه‌ای که سفارت انگلیس به وزارت خارجه ایران در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۲۴ ق، نوشته اولین گروه متحصنین در سفارت انگلیس در تهران چهل نفر از «طلاب و تجار» بودند که مدعی شدند امنیت ندارند، تاجر به واسطه هجرت مراجع امکان معامله ندارند، و خواهان دیوان خانه‌های عدلیه شدند. البته بعد عدد متحصنین در سفارت انگلیس به چهارده هزار نفر رسید. (طلوعی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۲۵)

مظفرالدین شاه با پذیرش خواست مراجع، از آنان خواست از قم به تهران بازگردند و متحصنین در سفارت انگلیس در تهران نیز درخواست‌هایی را مطرح نمودند.

شاه در نامه خود به مراجع در قم، مجلس شورای اسلامی را پذیرفت «بعد از انتخاب اعضاء مجلس فصول و شرایط نظامنامه مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضاء متخین به طوری که موجب اصلاح عموم مملکت و اجرای قوانین شرع مقدس مرتب نمایند». (کرمانی، ۱۳۶۲: ص ۵۸۸) در مجموع مظفرالدین شاه در آخرین ماه‌های آخر عمر خود فرمان مشروطه صادر کرد. (کسروی، ۱۳۵۳: ص ۱۱۸) قرار بود افتتاح مجلس در روز نیمه شعبان زاد روز تولد امام زمان (عج) باشد، روشنفکران، هم با تعبیر مجلس شورای اسلامی مخالفت کردند و هم با افتتاح آن در روز نیمه شعبان و مدعی شدند که نباید مجلس آثار مذهبی داشته باشد و شاید بتوان گفت این دو موضوع سبب آغاز بدبینی جمعی از روحانیون به مشروطه گردید. (کرمانی، ۱۳۶۲: صص ۵۶۲، ۵۶۴ و ۵۶۷)

در ایران محور قیام بر عهده سه تن از روحانیان تهران بود. ۱. سید محمد طباطبائی ۲. سید عبدالله بهبهانی ۳. شیخ فضل‌الله نوری. که دو نفر اول نقش بیشتری داشتند، از این رو به «آیتین حجتین» مشهور شدند. درباره نقش این مراجع در آغاز مشروطه و ادامه آن، کسروی می‌نویسد: «پس از پیشرفت مشروطه و باز شدن مجلس دیگران هر یکی بهره‌ای جسته به کنار رفتند ولی دو سید و حاجی شیخ فضل‌الله همچنان باز ماندند و چون مشروطه را پدید آورده خود می‌شماردند

از نگهبانی باز نمی ایستادند. دو سید با آن که به نمایندگی برگزیده نشده بودند همیشه در نشست های مجلس می بودند و به گفت و گو ها در می آمدند، حاجی شیخ فضل الله نیز گاهی چنین می بود.» (کسروی، ۱۳۵۳: ص ۲۸۵)

اولین مجلس مشورتی ایران با عنوان مجلس شورای ملی با حضور شاه و روحانیان در روز ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ افتتاح شد. (همان، ص ۶۴۸) این مجلس در رمضان ۱۳۲۴ قمری با حضور نمایندگان شهر تهران که نصف نمایندگان، یعنی شصت نفر را تشکیل می دادند و از هر صنفی چهار تا پنج نفر انتخاب شدند، آغاز به کار کرد، و به مرور نمایندگان ایالت های مختلف وارد تهران می شدند. (همان، ص ۱۶۷) تدوین اصول قانون اساسی در مجلس اول آغاز شد، و پس از امضای قانون اساسی توسط مظفر الدین شاه، وی با فاصله ای اندک در ۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۴ قمری از دنیا رفت. (کرمانی، ۱۳۶۲: ص ۵۷) رهبران مشروطه که نقش مهمی در حرکت مردم داشتند حضور رسمی و قانونی در مجلس نداشتند از این رو پیشنهاد انتخاب سه نماینده برای اقلیت های مذهبی، کلیمیان، آرامنه و زرتشتیان مطرح شد و قرار شد این نمایندگان جای خود را به سه تن از مراجع که رهبری نهضت را به عهده داشتند واگذارند. نمایندگان کلیمیان و آرامنه کناره گیری کرده و به جای آن دو آیت الله سید محمد طباطبائی نماینده آرامنه شد و سید عبدالله بهبهانی نماینده کلیمیان و به طور رسمی عضو مجلس شده و در تصویب نظامنامه مجلس تلاش کردند (همان، ص ۶۳۶)، علت حضور بیشتر آنان در مجلس این بوده است. نماینده زرتشتیان که قرار بود جای خود را به شیخ فضل الله بدهد از این کار استنکاف کرد. شیخ فضل الله نوری بدون حضور رسمی در مجلس پیشنهادات خود را برای تصویب مطرح می کرد و برای تصویب اصل نظارت علما بر قوانین مصوب مجلس، که خلاف شرع نباشد به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی رفته و لویحی را منتشر و گروهی از مراجع از ایشان حمایت کردند. با قول به تصویب این اصل به عنوان اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت ایران، ایشان به تهران بازگشتند، در این دوران مراجع نجف و از جمله آخوند خراسانی نقششان پررنگ تر می شد و در مواردی به تأیید این حرکت و مجلس و قوانین آن می پرداختند. وحدتی که در آغاز مشروطه وجود داشت از هم گسست، شیخ فضل الله بر مشروطه مشروعه اصرار می ورزید و دیگران همان مشروطه را کافی می دانستند. در نجف نیز آخوند خراسانی و دو عالم همراهش طرفدار مشروطه بودند و مرحوم سید کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی مخالف خود را با مشروطه اعلام کرد، گاهی بین طرفداران و مخالفان مشروطه در

نجف نزاع درمی گرفت. (کسروی، ۱۳۵۳، ص ۴۳۱) اوضاع نجف در آن زمان در خاطرات قوچانی در کتاب سیاحت شرق بخوبی انعکاس یافته است، و این ها همه دشواری کار مراجع نجف را در حمایت از مشروطه نشان می دهد. این اختلافات در ایران باعث شد که دو جریان مذهبی و غیر مذهبی پیدا شود. روشنفکران که در راس امور بودند و اطلاعات بیشتری از مشروطه در کشورهای دیگر داشتند سعی می کردند مشروطه را بمانند آنچه در دیگر بلاد مشهور است مورد توجه قرار دهند، درباریان نیز با مشروعه همراه نبوده و مشروطه را ترجیح می دادند. محمد علی شاه در ۴ ذیحجه ۱۳۲۴ق، تاجگذاری کرد. (کرمانی، ۱۳۶۲: ص ۶۵)

مخبر السلطنه که حکم مشروطه را در ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۴ قمری از محمد علی شاه گرفت و بعد در مجلس قرائت شد، واژه «کنستیتوسیون» را در آن گنجانید که هیچ گونه تفسیر دیگری از آن نشود «دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون به شمار آید» و به تعبیر خودش مشروعه نباشد که اختیار به دست آخوندها بیفتد. (مخبر السلطنه، ۱۳۴۴: صص ۱۴۸ و ۱۴۹) بحث از مشروط مشروعه آن قدر فراگیر بود که در مجلس هم مطرح شد و در بار آن بحث شد و به گفته تقی زاده مشهدی باقر وکیل صنف بقال، با سخنان خود مشروطه را نجات داد. تفسیر متفاوت در باره مفاهیم مطرح شده مانند: مشروطه، آزادی، مساوات و مانند آن، این اختلاف را تشدید کرد. در عین حال مراجع طرفدار مشروطه همین وضع جدید را بهتر از گذشته می دانستند و از مشروطه تفسیر خاص خود را داشتند و کسانی که در مجلس بودند قواعد رأی گیری را پذیرفته و سعی می کردند با حضور خود در مجلس بر اسلامی بودن قوانین تأکید نمایند. آخوند خراسانی و مازندرانی در اطلاعیه ای مقصود خود را از مشروطه این گونه بیان کردند: «حقیقت مشروطیت ایران و آزادی عبارت از عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبقه بر احکام خاصه و عامه مستفاد از مذهب و مبتنی بر اجراء احکام الهیه عزاسمه و حفظ نوامیس شرعیه و ملیه و منع از منکرات اسلامی و اشاعه عدالت و محو مبانی ظلم و سدا ارتکابات خودسرانه و صیانت بیضه اسلام و حوزه مسلمین و صرف مالیه مأخوذه از ملت در مصالح نوعیه راجعه به نظم و حفظ و سدا ثغور مملکت خواهد بود.» (کرمانی، ۱۳۶۲: ص ۱۹۸)

اما روشنفکران مشروطه خواه این تفسیر را درست ندانسته و در محافل خود آن را غیر قابل پذیرش می دانستند و کسانی که در باره آن سخن گفته اند این اختلاف مفهومی را بین مراجع و دیگران مطرح کردند. به همین جهت مراجع مشروعه خواه به مرور به اصل جریان مشکوک شده

و تلاش افراد بی دین و حضور آنان را دلیل بر ادعای خود می گرفتند. مراجع نجف که از جزئیات مسائل آگاهی کمتری داشتند، کلیت مشروطه را در جهت رفع ظلم و تقلیل ستم و اجرای دستورات اسلام و حفظ استقلال کشور می دانستند. آخوند خراسانی و دیگر مراجع مانند: میرزا خلیل تهرانی و شیخ عبد الله مازندرانی نیز این گونه می اندیشیدند. آنان نیز مانند مشروعه خواهان دغدغه اجرای احکام شرع را داشتند و در جهت تقویت این بعد که همان جنبه مذهبی مشروطه بود تلاش می کردند. (کسروی، ۱۳۵۳: ص ۲۹۱)

#### هدف آخوند خراسانی و دیگر مراجع در حمایت از مشروطه

برای پی بردن به انگیزه سه عالم بزرگ نجف در رهبری مشروطه و تلاش برای قانون مند کردن کشور بهترین گواه و سند اطلاعاتی ها و تلگراف های آنان پیش و پس از استبداد صغیر است از جمله در پاسخ به تلگراف روحانیان تبریز درباره مشروطه در تاریخ ۲۹ ذیحجه سال ۱۳۲۴ ق، می نگارند: «... ما یقین داریم که ارتکاب این امور بی اطلاع اعلیحضرت همایونی است؛ زیرا وقتی عموم ملت اتفاق بر تأسیس مجلس شورای ملی که مایه رفع ظلم و ترویج احکام شرعی و حفظ بیضه اسلام و صیانت شوکت مذهب جعفری است داشته باشند که اهم تکالیف است بر همه مسلمین موافقت آن واجب و مخالفت آن غیر جایز است خاصه بندگان اقدس همایونی، با این ملاحظات دقیقه موافقت و رفع استقلال خائنین را خواهند فرمود.» (کرمانی، ۱۳۶۲: ص ۸۶)

این سه بزرگوار در اول محرم ۱۳۲۶ ق، تلگرافی در باب مجلس شورای ملی مخابره می کنند و در آن اهتمام ورزیدن در استحکام مجلس را لازم می شمارند و مردم را از خیانت به دولت قوی شوکت پرهیز می - دهند. آخوند خراسانی در تلگرافی که سوم محرم به مجلس مخابره می کند بر این نکته تأکید می ورزد و می افزاید: «حالا که برای اصلاح مفاسد و تکمیل نواقص آزادی مرحمت فرمودند ان شاء الله هیچ دقیقه را فروگذار نفرموده اند قوانین محکمه دین مبین را که ناموس اکبر و از اعظم اسباب ترقی و نفوذ و فقط رسمی از آن باقی است صحیحاً به موقع اجرا و مصالح دولت و انتظامات مملکت را بر وجه احسن و نظام اتقن مرتب [خواهند کرد]...» پس از خلع محمد علی شاه آخوند خراسانی و مازندرانی در راه تقویت مجلس تلاش می ورزند. آخوند در نامه ای که در آخر رجب ۱۳۲۷ ق، برای حاج شیخ محمد واعظ می فرستد می نویسد: «غرض ما از این همه زحمت ترفیه حال رعیت و رفع ظلم از آنان و اعانه مظلوم و اغاثه ملهوف و اجراء

احکام الهیه عزّاسمه و وقایه بلاد اسلام از تطاول کفار و امر به معروف و نهی از منکر و غیرها از قوانین اسلامیة نافعۀ للقوم بوده است.» (کرمانی، ۱۳۶۲:صص ۱۹۵ و ۱۹۶)

در نامه ای که آقایان آخوندخراسانی و مازندرانی در تاریخ ۱۵ ماه رمضان ۱۳۲۷ ق، برای شیخ محمد واعظ می فرستند بر اسلامی بودن مشروطه و قانون های آن پای می فشارند و تفسیر خود را از مشروطه بیان می نمایند که سخن آنان نقل شد. آخوند خراسانی در تاریخ ۴ ذیحجه ۱۳۲۷ ق، در نامه خود به شیخ محمد واعظ روی هدف های اسلامی مبارزه انگشت می گذارد و به اطلاعیه پیشین که هدف از مشروطه در آن بیان شده اشاره می کند و از وی می خواهد مردم را به معنای مشروطه آگاه سازد و تمام تلاش خود را به کار بندد که حرکتی از عوام سر نزند که ناسازگار با شریعت باشد. (همان، ص ۱۹۸)

بنابراین مراجع نجف هدفی جز اسلام نداشتند و تلاش آنان برای اجرای عدالت و نابودی ستم و فراهم ساختن آزادی برخاسته از قانون های اسلام بوده است. در اعلامیه های آخوند مواردی از مفاهیم اسلامی می بینیم که جهت حرکت و دفاع وی را از مشروطه بیان می کند و این در دو بعد بیان شده بعد اسلامی نهضت و بعد ایرانی آن؛ در هر دو مورد با تعبیراتی زیبا موضوع را بیان می کند در بعد اسلامی مانند: ترویج احکام شرعی، حفظ اسلام و سربلندی مذهب جعفری، اجرای صحیح قوانین دین مبین اسلام، رفع ظلم، تقلیل ظلم، اعان مظلوم، امر به معروف و نهی از منکر، منع منکرات، اشاعه عدالت، جلوگیری از تجاوز کفار به سر زمین های اسلامی و حفظ بلاد اسلامی. و در بعد ایرانی: رعایت مصالح دولت و امور مملکت، رفاه مردم، حفظ نظم و مرزها، عدم تجاوز ملت و دولت از قوانین، و در اعلامیه های دیگر ایشان؛ احیاء ایران، و سربلندی اسلامیان، حفظ استقلال کشور و اتحاد برای رسیدن به هدف مطرح است. (کدیور، ۱۳۸۷: صص ۲۲۱ و ۲۲۲)

#### تلاش های آخوند خراسانی در مقاطع گوناگون مشروطه

مراجع نجف به رهبری آخوند خراسانی نقش مهمی در پیروزی و استقرار مشروطیت ایران داشتند، این تأثیر گذاری در دوران و مقاطع گوناگون نهضت مشروطه یکسان نبود، می توان گفت نقش آفرینی مراجع نجف در آغاز کم رنگ و به مرور که جریان نهضت پیش می رفت و با موانع بیشتر رو به رو می شد بیشتر گردید و در این بین نقش آخوند خراسانی ممتاز بود، می توان نقش ایشان را در پنج مقطع و دوره مورد ارزیابی قرار داد. اما قبل از بیان آن توجه به این نکته ضروری



است، که چرا برخی افراد که از رهبران مشروطه سخن گفته، با این عنوان کتاب نوشته اند درباره نقش آخوند خراسانی سخن نگفته اند با این که به یقین پیروزی مشروطه دوم مرهون تلاش های مراجع نجف به ویژه آخوند خراسانی و شاگردان وی است. بعنوان مثال آقای ابراهیم صفائی کتابی در باره رهبران مشروطه نوشته و شرح حال ۲۴ نفر را که به گونه ای در ایجاد تفکر مشروطه نقش داشته اند و برخی نیز مستبد بودند آورده از جمله سید جمال اسد آبادی، شیخ الرئیس قاجار، طباطبائی و بهبهانی اما به آخوند خراسانی اشاره ای نکرده است و فقط به تناسب از تلگراف آخوند به صمصام السلطنه در اصفهان که دادن مالیات به محمد علی شاه را تحریم کرده یاد نموده است. (صفائی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۷)

هم چنین در شرح حال ملک المتکلمین که درباره حضور بایبها و ازلی ها در مشروطه سخن گفته از تلاش های آیات ثلاث نجف این گونه یاد کرده است: «همین فعالیت های مشکوک فرقه های جدید مذهبی سبب شده که سه نفر مرجع تقلید شیعه که مهم ترین سهم را در استقرار مشروطه ایران داشتند (آیت الله مازندرانی، آیت الله خراسانی، آیت الله طهرانی) از آینده مشروطه ایران نگران شده از نجف لایحه ئی فرستاده و تصریح کردند» به حقیقت مشروطه که ذکر شد. (همان، ص ۳۴۶)

نقش آخوند خراسانی را می توان در پنج مقطع مشروطه بررسی کرد:

۱- از آغاز تا تشکیل مجلس اول.

۲- در مجلس اول و تصویب قانون اساسی.

۳- دوران استبداد صغیر.

۴- فتح تهران و آغاز مشروطه دوم.

۵- اشغال ایران توسط روسیه.

### وفات آخوند خراسانی

آخوند در نیمه شب پس از بجا آوردن تهجد و نماز شب، ناگهان حالش منقلب شد و بدنش رو به سردی رفت. در همان حال اصرار ورزیده که حرکت به سمت مسجد سهله به هر قیمتی بایستی انجام گیرد. (نظام الدین زاده، ۱۳۳۰: ص ۶۵)

*Archive of SID*

پزشک شهرداری و پزشک حکومت عثمانی که در پگاه روز سه شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۰ خورشیدی مصادف با بیستم ذیحجه ۱۳۲۹ قمری، برابر با ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ م، به بالین آخوند احضار شدند و او را مرده یافتند، و علت مرگش را سکت قلبی دانستند.

در کتاب "اختناق درایران آمده است:" از قرار تقریر دکترها، مرض آن مرحوم خناق قلبی، (سکت قلبیه) بوده است اگر چه بعضی احتمال دیگر داده اند. (شوستر، ۱۳۵۱:ص ۱۷۸)  
بسیاری از مورخین و معمرین بر این عقیده اند آخوند خراسانی به مرگ طبیعی نمرده بلکه به طریقی او را مسموم کرده اند تا مانع حرکتش به ایران شوند. (کفای، ۱۳۵۹:ص ۲۷۹)

**محل دفن ایشان**

آخوند خراسانی در حرم حضرت علی (ع) و در کنار مقبره محقق رشتی دفن است. فرازی از وصایای آخوند، به فرزندانش: «از مرگ خویش نگران نیستم، چون به نزد کسی می‌روم که برای من از شما بهتر است. شما نیز از مرگ من نگران نباشید، چون شما را به کسی می‌سپارم که برای شما از من بهتر است»

### نتیجه گیری:

آیت الله ملا محمدکاظم خراسانی ملقب به آخوند خراسانی (۱۳۲۹-۱۲۵۵ ق) یکی از فقها و اصولیین بزرگ تاریخ معاصر است. ایشان در زمان زعامت و مرجعیت دینی خود در نجف حضور فراوانی در عرصه دین و سیاست داشت. مهمترین فعالیت سیاسی آخوند خراسانی رهبری جریان مذهبی در انقلاب مشروطه بود. ایشان با صدور احکام و فتاوایی در دفاع از مشروطیت، مجاهدت در راه استقرار مشروطیت را در حکم جهاد در رکاب امام زمان (ع) اعلام کرد. پس از استقرار دوباره مشروطه در ایران، آخوند خراسانی به سبب نقش آفرینی اش در جهت استقرار مشروطه جایگاه سیاسی بالایی در ایران یافت که این دوره مصادف شد با اشغال خاک ایران توسط بیگانگان.

در اواخر قرن نوزدهم به دنبال توافقاتی که میان روسیه و انگلیس صورت گرفت خاک ایران مورد هجوم این دو کشور قرار گرفت. اشغال خاک ایران اعتراضات وسیعی را در بین ایرانیان داخل و خارج کشور برانگیخت. ایرانیان مقیم نجف و حتی شیعیان غیرایرانی آن دیار با انگیزه های مذهبی اعتراضات گسترده ای را نسبت به اشغال خاک ایران ترتیب دادند که رهبری این اعتراضات به دست مراجع و روحانیان نجف، کربلا و کاظمین بود. آخوند خراسانی هم در کنار سایر مراجع نقش ویژه ای را در هدایت و رهبری این اعتراضات ایفا نمود.

تلاشهای آخوند خراسانی برای دفاع از استقلال کشور ریشه در اندیشه سیاسی ایشان داشت. یکی از مؤلفه های اندیشه سیاسی آخوند خراسانی اهتمام بر حفظ کیان و استقلال ممالک اسلامی است. لذا برای تبیین بهتر موضوع، اقدامات آخوند خراسانی در ابعاد مختلف حیات ایشان بررسی گردید. شاخص ترین رهبر دینی که رهبری فکری نهضت مشروطه را بعهدہ داشت، شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی است.

این پژوهش گزارشی مختصر از انقلاب مشروطه دارد که با نهضت عدالت خانه و مهاجرت مراجع به قم که منجر به پذیرش مشروطه و امضای قانون اساسی توسط مظفردالدین شاه گردید آغاز می شود. سپس به انگیزه دخالت آخوند خراسانی و مراجع نجف و حمایت آنان از مشروطه و تفسیری که از آن داشتند می پردازد که اجرای احکام اسلام و کاستن از استبداد و ستم و ایجاد آزادی است. آن گاه جریان انقلاب مشروطه را در زمان آخوند به پنج دوره تقسیم می نماید: از آغاز تا تشکیل مجلس اول، مجلس اول و تصویب قانون اساسی، دوران استبداد صغیر، فتح تهران

و تشکیل مجلس دوم (مشروطه دوم) و اشغال ایران توسط روس. در این پنج دوره میزان نقش آخوند خراسانی و مراجع نجف بررسی می شود و بر این نکته تأکید دارد که از دوره سوم به بعد مراجع نجف بویژه آخوند خراسانی رهبری نهضت را به عهده داشته و به ستیز با غول استبداد محمد علی شاه پرداختند و با کمک نیروهای داخلی آن را به زانو در آوردند و در طول این سه دوره آخوند خراسانی احکام و دستورات حکومتی فراوانی صادر نمود. بویژه در دوران استبداد صغیر مانند: حکم جهاد، تحریم دادن مالیات به دولت و تعیین انجمن تبریز به جای مجلس و به حمایت از مشروطه و تبیین اصول آن پرداخت. و شاگردانش نیز کتاب هایی در این باره نگاشتند. در دوره چهارم نیز در جهت سالم سازی جامعه در جهت تحقق قوانین اسلام، دستور اخراج تقی زاده را از مجلس دوم و ممنوعیت دخالت وی در امور حکومتی را صادر کرد. در ادامه به مخالفت آخوند با دخالت های روسیه در ایران پرداخته که کالاهای روس را تحریم و با دخالت انگلیس در ایران و ایتالیا به طرابلس غرب (لیبی) نیز مخالفت نموده و مسلمانان را به اتحاد اسلامی دعوت کردند و برای نجات کشور از اشغال بیگانگان تلاش و قصد سفر به ایران نمود.

این پژوهش به بررسی نقش تاثیرگذار و حتی رهبری کننده مراجع عتبات در وقایع مبتلا به نهضت مشروطیت، در راستای حفظ و صیانت از این نهضت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی و نیز انحرافات دامنگیر آن می پردازد.

در موضوع اتحاد اسلامی می توان بر مقاطعی از تاریخ انگشت گذاشت و آن را به عنوان نقطه عطفی در فرایند اتحاد اسلامی دانست. بدون شک در چارچوب گفتمان وحدت گرای شیعی، آخوند خراسانی جایگاه ویژه ای دارد. آخوند پس از تحکیم جایگاه علمی و فقهی شان در حوزه علمیه نجف، بر اساس مبانی فقهی و کلامی و با توجه به شرایط زمانه وارد پروسه استبدادزدایی و استعمارستیزی شد. این دو پدیده آخوند را به خودی خود به سمت موضوع اتحاد ملی - اسلامی و اتحاد بین المللی - اسلامی سوق داد و ایشان را به عنوان یکی از طلایه داران ایده اتحاد و تقریب و شخصیتی که فرایند اتحاد اسلامی را از قوه به فعل درآورد، شناساند.

آخوند خراسانی به عنوان بالاترین مجتهد شیعی بود که در معرکه مشروطه خواهی واقع شد، در جنبش مشروطه شرکت نمود و آگاهانه از نظام نوبنیاد مشروطه دفاع کرد. وی دیدگاه سیاسی خود را در قالب «فتوی» ارائه کرد. همراهی مراجع نجف در قالب اعلامیه ها و نامه ها بوده و مشاهده می شود که تقریباً در تمام کتابهایی که به مشروطه پرداخته شده صفحاتی به مراجع نجف

اختصاص پیدا کرده است که آنها با صدور اطلاعیه های خود توده های مردم را در مسیر مشروطه خواهی خود دلگرم میکردند.

آخوند خراسانی پس از تحقق نظام مشروطه، به همراه دو مجتهد بزرگ دیگر نجف با صدور اعلامیه ها و تلگرافهایی پشتیبانی خود را از حکومت مشروطه اعلام کردند، با اختناقی که بر جامعه حاکم بود، فقط برقراری نظام مشروطه، را پاسخ گوی مشکلات اجتماع می دانستند با عزم پولادین خویش تا حدودی توانستند بر دشواری های مملکت چیره شوند. آخوند خراسانی با داشتن مقام ریاست حوزه نجف بزرگترین پشتیبان نهضت مشروطه بود ایشان چون مرجع تقلید شیعیان و جزء عناصر مذهبی این نهضت بودند، آرا و اندیشه هایش تأثیر فوق العاده ای بر مجاهدان مشروطه خواه داشت. احکامی که بوسیله مراجع نجف صادر می شد مردم اطاعت از آنها را تکلیف شرعی خود می دانستند و سرپیچی از دستورات آنها را در حکم سرپیچی از اسلام می دانستند. مراجع مبارز ایران در ادامه نهضتها و قیامها با تاسی از مراجع ثلاثه نجف استبداد و استعمار را برای همیشه تاریخ از خاک ایران بیرون کردند.

**منابع:**

۱. آقا نجفی قوچانی، محمد حسن، ۱۳۷۸، برگی از تاریخ معاصر، تصحیح شاکری، تهران، نشر هفت.
۲. خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۹ق، کفایه الاصول، قم، موسسه آل البیت.
۳. خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۱۴ق، مقدمه کفایه الاصول، قم، موسسه نشر اسلامی.
۴. دریاییگی، محسن، ۱۳۸۶، حیات سیاسی فرهنگی واجتماعی آخوند. تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۵. دوانی، علی، ۱۳۷۹، مفاخر اسلام، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. شوستر، مورگان، ۱۳۵۱، اختناق ایران، ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، انتشارات صفیعلیشاه.
۷. صفایی، ابراهیم، ۱۳۶۲، رهبران مشروطه، تهران، انتشارات جاویدان.
۸. طلوعی، محمود، ۱۳۸۷، دانش نامه، تهران، نشر علم.
۹. کدیور، محسن، ۱۳۸۷، سیاست نامه خراسانی، تهران، انتشارات کویر.
۱۰. کرمانی، ناظم الاسلام، ۱۳۶۲، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، آگاه و نوین.
۱۱. کسروی، احمد، ۱۳۵۱، تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان، تهران، امیرکبیر.
۱۲. کسروی، احمد، ۱۳۵۳، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. کفایی، عبدالحسین، ۱۳۵۹، مرگی در نور، تهران، زوار.
۱۴. مخبر السلطنه (هدایت)، مهدی قلی، ۱۳۴۴، خاطرات و خطرات، تهران، زوار.
۱۵. مختاری، رضا، ۱۳۶۴، سیمای فرزندگان، قم، بوستان کتاب.
۱۶. ملک زاده، مهدی، ۱۳۷۱، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی.
۱۷. نظام الدین زاده، سید حسن، ۱۳۷۷، هجوم روس و اقدامات روسای دین برای حفظ ایران، به کوشش نصرالله صالحی، تهران، موسسه نشر و پژوهش شیرازه.
۱۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، تهران، مرکز دائرة المعارف.
۱۹. دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۱، تهران انتشارات سعید محبی.
۲۰. روزنامه حبل المتین، ۱۳۲۱، شماره ۳۶، چاپ کلکته، صص ۸.
۲۱. روزنامه خورشید، ۱۳۲۵، شماره ۳۰، صص ۳.